



۴ وصیت حضرت خدیجه (س) هنگام رحلت / دلداری پیامبر (ص) به فاطمه (س) در سوگ از دست دادن مادر

زمانی که خدیجه (س) رحلت کرد، حضرت فاطمه (س) که پنج سال بیشتر نداشت گرد پدر می‌گشت، خود را به دامان ایشان می‌آویخت، بهانه مادر می‌گرفت و دل دردمند پدر را آتش می‌زد. پیامبر (ص) جز سکوت چیزی نداشت در این هنگام جبرئیل نازل شد.

زمانی که خدیجه (س) رحلت کرد، حضرت فاطمه (س) که پنج سال بیشتر نداشت گرد پدر می‌گشت، خود را به دامان ایشان می‌آویخت، بهانه مادر می‌گرفت و دل دردمند پدر را آتش می‌زد. پیامبر (ص) جز سکوت چیزی نداشت در این هنگام جبرئیل نازل شد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس،¹ دهمین روز از ماه مبارک رمضان، دهمین سال بعثت و سه سال پیش از هجرت تاریخی پیامبر اکرم (ص) خدیجه کبری (س) نخستین بانوی مسلمان تاریخ، دعوت حق را لبیک گفت.

در سال دهم بعثت حضرت خدیجه کبری (س) از شدت ضعف و ناراحتی در شعب ابی‌² طالب، پیامبر را تنها می‌گذارد. حضرت خدیجه (س) در فاصله سی یا سی و پنج روز پس از رحلت عمومی پیامبر، ابوطالب، از دنیا می‌رود و بدین ترتیب، هر دو یار رسول خدا، او را تنها می‌گذارند.

وصیت‌های خدیجه (س)

حضرت خدیجه (س) در آخرین لحظات زندگی وصایایی به شرح زیر به پیامبر اکرم نمود:

- ۱- برای او دعای خیر کند.
- ۲- او را به دست خود در خاک قرار دهد.
- ۳- پیش از دفن در قبر او وارد شود.
- ۴- عیایی را که به هنگام نزول وحی بردوش داشت، روی کفن او قرار دهد حضرت خدیجه که همه اموال منقول و غیرمنقولش را به حبیب خود بخشیده بود، در مقابل فقط یک عبا مطالبه نمود. حضرت خدیجه (س) در آن لحظات آخر در مورد حضرت زهرا (س) ابراز نگرانی کرد، اسماء بنت عمیس تعهد نمود که در شب زفاف او به جای خدیجه نقش مادری ایفا کند.

خوف خدیجه (س) از مرگ

حضرت خدیجه سلام‌³ الله علیها بیست و چهار سال با پیامبر اکرم (ص) زندگی کرد و سرانجام در بستر بیماری قرار گرفت. با اینکه حضرت خدیجه (س) نهایت فداکاری را برای اسلام نمود، و به طور مکرر از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به او مزده ی بهشت داده شد، در عین حال خائف بود، و در آستانه ی مرگ، از ترس خدا هراسان بود، و خود را بنده ی کوچک و ناچیزی می‌دانست، و از درگاه خدا می‌خواست⁴؛ خواست که در عالم قبر و برزخ خشنود شود، از پیامبر (ص) تقاضای دعا و طلب مغفرت نمودن داشت، و از آن حضرت می‌خواست⁵؛ خواست که هنگام مرگ و خاک سپاری، او را مورد لطف خاص قرار دهد، در قبرش بخوابد، و با این کار، رحمت الهی را وارد قبر سازد و... .

در آن هنگام فاطمه سلام‌⁶ الله علیها حدود پنج سال داشت، گویا خدیجه (س) شرم داشت از پیامبر (ص) تقاضای دیگر کند، فاطمه (س) را واسطه قرار داد، به او فرمود: «دختر جان! نزد پدر برو، و از او بخواه پیکرم را با یکی از روپوش‌های خود کفن نموده و بیوشاند.»⁷ فاطمه (س) واسطه شد و این تقاضای خدیجه (س) نیز روا شد. این تقاضای خدیجه (س) از اینرو بود تا آن لباس موجب نورهایی از رحمت الهی شود و او را در عالم برزخ و روز قیامت خشنود سازد.

حضرت رسول (ص) که بر بالین این بانوی بزرگوار حاضر بود، ضمن گفت‌⁸ وگوئی با وی فرمود: خدا تو را با مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم برابری داده است. وقتی روح حضرت خدیجه (س) به سوی جهان جاودان پر کشید پیامبر (ص) سخت گریست.

چون در «حَجُّونَ»⁹ قبری برای خدیجه کبری (س) کردند، پیامبر (ص) خود به راه افتاد؛ همچنان که اشک از

چشمانش می‌بارید داخل قبر شد و خوابید، افزون‌تر از قبل گریست و او را دعا کرد. آنگاه برخاست و با دست خویش همسرش را در قبر گذاشت. حضرت فاطمه سلام الله علیها، یادگار امّ المؤمنین حضرت خدیجه(س) گرد پدر می‌گشت، خود را به دامن ایشان می‌آویخت، بهانه مادر می‌گرفت و دل دردمند پدر را آتش می‌زد.

پیامبر (ص) جز سکوت چیزی نداشت؛ جبرئیل نازل شد و گفت: ای پیامبر، به فاطمه بگو خدا برای مادرت قصری از لؤلؤ ساخته که درونش آشکار است و در آنجا هیچ سختی و تلخی نیست. به این ترتیب فرشته الهی پایان رنج‌ها و محنت‌های حضرت خدیجه سلام‌الله علیها را اعلام کرد.

وفات حضرت خدیجه(س) به فاصله اندکی از رحلت اندوه‌بار حضرت ابوطالب(ع) رخ داد، پیامبر اکرم (ص) آن سال را عام الحزن راquo نام نهاد و در واقع یک سال اعلام عزای عمومی نمود.

آرامگاه حضرت خدیجه(س) در قبرستانی در مکه است. رحلت خدیجه برای پیغمبر (ص) مصیبتی بزرگ بود؛ زیرا خدیجه یاور پیغمبر خدا (ص) بود و به احترام او بسیاری به حضرت محمد(ص) احترام می‌گذاشتند و از آزار ایشان خودداری می‌کردند.

فرزندان حضرت خدیجه(س)

ابن هشام می‌نویسد: فرزندان خدیجه (س) از پیامبر (ص) عبارتند از: رقیه، زینب، ام کلثوم، فاطمه، قاسم، طیب و طاهر. پیامبر (ص) از همسران متعدد خود، تنها از خدیجه (س) دارای فرزند بود، و یک فرزند نیز به نام ابراهیم از همسر دیگرش ماریه ی قبطیه راquo داشت.